

تحلیل سیاست استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در شکست داعش در عراق و سوریه

حمید درج^۱

محمدعلی بصیری

چکیده

امروزه داعش یکی از خطرناک‌ترین نمودهای تروریسم تکفیری در غرب آسیا محسوب می‌شود. این گروه تروریستی پس از خروج نیروهای آمریکایی از عراق، به سرعت گسترش یافت و توانست در عراق و سوریه دولت اسلامی تشکیل دهد. در این میان، جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهایی بود که به طور مستقیم با داعش در تقابل قرار گرفت. از آنجایی که با ظهور این گروه تروریستی، ایران به عنوان بازیگر استراتژیک محور مقاومت، با چالش‌هایی در عرصه‌های مختلف گفتمانی، امنیتی و سیاسی روبه‌رو گشت؛ لذا، تهران با اتخاذ تدابیر استراتژیک سیاسی و نظامی، به نابودی داعش در منطقه مبادرت ورزید و از این طریق زمینه فروپاشی محور مقاومت در غرب آسیا را سلب کرد. مقاله حاضر با در نظر گرفتن این موضوع و با بهره‌گیری از چارچوب نظری رئالیسم تدافعی، در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که جمهوری اسلامی ایران برای شکست داعش در عراق و سوریه دست به چه استراتژی‌ای زده است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از آنجایی که داعش تهدیدی مستقیم و جدی علیه امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران قلمداد گشت؛ لذا، جمهوری اسلامی ایران برای بر طرف ساختن چالش‌ها و تهدیدات پیش‌رو با همکاری استراتژیک با بازیگران محور مقاومت و نیز با کمک مؤثر روسیه دست به سیاست ضربه زدن و نابودی داعش در سوریه و عراق زد و سیاست‌ها و اهداف این گروه تروریستی را در منطقه با شکست مواجه کرد. این مقاله سعی دارد با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی ظهور پدیده داعش در سوریه و عراق و همچنین سیاست راهبردی ایران در شکست این گروه تروریستی در منطقه بپردازد. برای انجام پژوهش حاضر از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: داعش، ایران، عراق، سوریه، رئالیسم تدافعی.

مقدمه

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان یافتن جنگ سرد و سپس حمله آمریکا و متحدان آن به افغانستان و عراق در طی سه دهه گذشته موجب ایجاد خلأ قدرت و شکل‌گیری زمینه برای گروه‌های افراطی و تروریستی شد. این گروه‌ها خود را متأثر از اسلام سلفی می‌دانستند و به نوعی ادامه جنبش‌های بنیادگرایی وهابی در منطقه محسوب می‌شدند، اما شیوه عمل آن‌ها نشان می‌داد که خط‌مشی خشونت‌آمیز و براندازانه را در قالب بنیادگرایی مذهبی در پیش گرفته‌اند. داعش یا دولت اسلامی عراق و شام یکی از گروه‌های سلفی - تکفیری است که در کشورهای عراق و سوریه شکل گرفته و هم‌اکنون به عنوان یکی از جدی‌ترین چالش‌های امنیت منطقه خاورمیانه و بین‌الملل مطرح است. ظهور داعش که مستظهر به حمایت بعضی از کشورهای منطقه، بخشی از غرب و صهیونیسم بین‌الملل است؛ تهدیدهای متعددی را برای ایران در حوزه‌های امنیتی، گفتمانی و ایدئولوژیک به وجود آورده است. ظهور و حضور داعش در وهه اول، امنیت ملی جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند؛ چرا که از اساس، خلق داعش، تلاشی برای جایگزینی گفتمان اسلام رحمانی غیره‌خشونت‌ورز با گفتمان اسلام خشونت‌ورز با اهداف خاص خود بوده است. از این رو، هژمونیک شدن گفتمان داعش، نوعی تهدید وجودی برای گفتمان جمهوری اسلامی به حساب می‌آید. به عبارت دیگر؛ هژمونیک شدن داعش در همسایگی ایران نه تنها گفتمان جمهوری اسلامی را از لحاظ گفتمانی تهدید خواهد کرد؛ بلکه از لحاظ نظامی نیز امنیت ملی ایران را به مخاطره خواهد انداخت. در این راستا؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر ظهور داعش در عراق و سوریه، ناچار به اعمال راهکارهای نظامی و دیپلماتیک برای مقابله با آن شد و در کنار دولت‌های عراق و روسیه و هم‌پیمانان منطقه‌ای خود، اهداف و سیاست‌های این گروه تروریستی - تکفیری را در غرب آسیا با شکست همراه کرد.

این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌مندی از ابزار کتابخانه‌ای و اینترنتی و در چارچوب نظریه رئالیسم تدافعی به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که جمهوری اسلامی ایران برای شکست داعش در عراق و سوریه دست به چه استراتژی‌ای زده است؟ این پژوهش، ضمن بررسی زمینه‌ها و ابعاد ظهور و گسترش داعش در سوریه و عراق، به تبیین سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران در شکست این گروه تروریستی می‌پردازد و در نهایت تأثیرات و پیامدهایی که داعش بر ساختار داخلی این دو کشور داشته است، مورد بحث و بررسی واقع می‌شود.

مدخل‌ها و پیشینه بحث

در زمینه چگونگی حضور و عملکرد گروه تروریستی داعش در سوریه و عراق و سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال این گروه تروریستی پژوهش‌ها و تحقیقات بی‌شمار و ارزشمندی به زبان فارسی و انگلیسی

صورت گرفته که در اینجا به مهمترین آن‌ها که ارتباط بیشتری با موضوع بحث حاضر دارد، پرداخته می‌شود.

۱- سلمان احمدوند و ایمان احمدوند (۱۳۹۴)؛ در پژوهشی تحت عنوان «بازخوانی رهیافت‌های تبیین‌گر تروریسم (رویکرد ترکیبی) با مطالعه موردی: داعش» پس از ارائه تعاریف و مفاهیم تروریسم تکفیری، عواملی همچون شکاف فرقه‌ای- عقیدتی حاکم بر عراق، اوضاع نابسامان داخلی سوریه و تلاش برخی کشورهای منطقه و آمریکا، را عامل بر هم زدن معادلات قدرت و احیای خلافت اسلامی و ظهور گروه تروریستی داعش می‌داند. نویسندگان پژوهش در ادامه، تروریسم سلفی- تکفیری را بر اساس رهیافت‌های طبیعی، فرهنگی، اقتصادی، مذهبی و سیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند.

۲- علیرضا سمیعی اصفهانی و محسن شفیعی سیف‌آبادی (۱۳۹۴) در مقاله «آینده گروهک‌های تکفیری و راهکارهای ثبات بخش دولت سوریه و عراق»، این پرسش را به بحث گذاشته‌اند که: «آینده گروهک‌های تکفیری مثل داعش و جبه‌النصره در خاورمیانه به چه سمتی خواهند رفت؟» یافته‌های مقاله که از روش تحلیل آینده‌پژوهی به دست آمده است نشان می‌دهد که محتمل‌ترین سناریو در عراق و سوریه عبارت است از: «تقسیم قدرت سیاسی در میان نیروهای مذهبی و داخلی در سوریه و افزایش احتمال تجزیه کشور در عراق».

۳- مهدی فرمانیان و محمد ابراهیم‌نژاد (۱۳۹۳)، در کتاب «داعش؛ دولت اسلامی عراق و شام (تحلیل و بررسی تاریخ و افکار)»، به ظهور القاعده در عراق، کیفیت روابط بین زرقاوی و بن‌لادن، حمله آمریکا به عراق و عکس‌العمل این گروه‌ها پرداخته‌اند. نویسندگان در اثر خود به وضعیت سیاسی عراق و آغاز حملات داعش، ساختار تشکیلاتی داعش، شخصیت‌های مهم داعش، منابع مالی، عقاید و افکار این گروه نیز به طور خلاصه اشاره کرده است.

۴- کامران طارمی (۱۳۹۴)، در پژوهش خود با عنوان «تحلیلی بر عوامل پیدایش و رشد سریع دولت اسلامی در سوریه و عراق»، ریشه‌های شکل‌گیری گروه داعش را بررسی می‌کند و آن را مربوط به شاخه‌ای از القاعده در عراق می‌داند که در سال ۲۰۱۰ منحل شد. طارمی در ادامه این سؤال را مطرح می‌کند که داعش چگونه توانسته است ظرف مدتی نسبتاً اندک، خود را بازسازی و به چنین توفیقات چشمگیری دست یابد؟ وی استدلال می‌کند که خیزش عربی در منطقه و بروز ناآرامی در سوریه، زمینه مساعدی برای بازیابی این گروه تروریستی مهیا کرد. کمک‌های مالی دولت‌های منطقه نیز مزید بر علت گردید. از دیگر فاکتورهای مؤثر، قابلیت تبلیغاتی این گروه تروریستی است. همچنین مدیریت مؤثر بر منابع مالی شامل؛ چاه‌های نفت، فروش عتیقه‌جات، مالیات بر کامیون‌های عبوری و فعالیت‌های اقتصادی باعث پایداری این گروه گردیده است.

۵- مارکوس بویلون^۱ (۲۰۱۰) در مقاله «اقدام دولت‌سازی عراق: شکنندگی دولت، شکست‌خوردگی دولت و یک قرارداد اجتماعی جدید»؛ استدلال می‌کند که درک وسعت شکنندگی دولت در عراق نیازمند نگاهی تاریخی به دولت‌سازی این کشور است. این عمق و گستره باید از دوران ایجاد عراق مدرن توسط بریتانیا تا اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ توسط آمریکا، پیگیری شود. وی بر آن است که عراق به لحاظ تاریخی دولتی شکننده است. پاسخ و راهکار برای برون‌رفت از این شکنندگی، در دولت‌سازی است. البته این دولت‌سازی نه یک بازسازی سیاسی صرف از بالا که تلاشی از پایین است. این مسیر طولانی دولت‌سازی باید توسط خود عراقی‌ها طی شود و در نهایت نیز استدلال نویسنده بر این اساس قرار دارد که نیروهای بیرونی و قدرت‌های بیرونی تنها می‌توانند حامی، مشوق و ترغیب‌کننده گفت‌وگو و پیش بردن مسیر دولت‌سازی باشند؛ ولی رهبری تمام امور باید در دستان عراقی‌ها باشد. اما توجه ندارد که دولت‌سازی به یک فرایند همزمان ملت‌سازی نیز نیاز دارد و اگر این دو فرایند در کنار هم اتفاق نیافتند، نمی‌توانند کارایی لازم را داشته باشند (Bouillon, 2012).

۶- آنتونی کوردسمن^۲ (۲۰۱۷)، در کتابی با عنوان «پس از داعش: ایجاد ثبات استراتژیک در عراق»، این مسئله را مطرح می‌کند که پس از ظهور داعش و سقوط آن، مهم‌ترین مسئله در عراق، ثبات سیاسی این کشور است و در نهایت به این نتیجه‌گیری می‌رسد که مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در عراق نمی‌تواند علت اصلی فقدان ثبات سیاسی این کشور تلقی شود؛ بلکه مسئله اصلی شکاف‌های عمیق قومیتی و ایدئولوژیک عراق مانع تحقق ثبات استراتژیک در این کشور در پساداعش خواهد بود.

نوآوری پژوهش حاضر در این است که هیچ‌کدام از پژوهش‌های یاد شده به طور جامع و مانع مسئله مورد بررسی ما در این پژوهش را پوشش نمی‌دهند؛ به عبارت بهتر، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی عام‌تر با تمرکز بر ضعف‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری داعش در عراق و سوریه، در تلاش است تا با نگاهی تدافعی به سیاست استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در نابودی این گروه تروریستی در عراق و سوریه پردازد که پیامد آن توسعه و گسترش نفوذ و توان بازیگری کشورهای محور مقاومت و در رأس آن جمهوری اسلامی ایران و شکل‌گیری معادلات سیاسی در راستای اهداف و منافع منطقه‌ای این بازیگران در غرب آسیا است که موازنه قوا را به ضرر محور سازش در منطقه شکل داده است.

تمهیدات نظری و مفهومی پژوهش: رئالیسم تدافعی

تئوری رئالیسم تدافعی، نخستین بار توسط کنت والتز^۳ در سال ۱۹۷۹ مطرح شد. از نظر وی، در ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، هیچ منبع قدرت برتری جهت اجبار دولت‌ها به پیروی وجود ندارد.

1. Markus Bouillon
2. Anthony Cordesman
3. kenneth waltz

در چنین نظامی، دولت‌ها خصوصاً قدرت‌های بزرگ در جهت افزایش قدرت خود تلاش می‌کنند. گاهی دولت‌ها با رفتاری تهاجمی برای کسب قدرت با یکدیگر به رقابت بر می‌خیزند و افزایش قدرت را بهترین وسیله برای تضمین بقای خود در ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل می‌دانند و از طرف دیگر، خصلت آنارشیک نظام بین‌الملل باعث می‌شود که این قدرت‌ها در عرصه سیاست خارجی خود رفتاری تدافعی در پیش گرفته و انگیزه چندانی برای افزایش بیش از حد قدرت خود نداشته باشند (جهانبین و پرتو، ۱۳۹۱: ۱۲۴-۱۲۳). در رئالیسم تدافعی، «دغدغه امنیت» اساسی‌ترین مسأله است. به عبارت دیگر؛ نگاه رئالیست‌های تدافعی نیز نگاهی کاملاً امنیتی است و در کنار رئالیسم تهاجمی، مطالعات روابط بین‌الملل را به سمت امنیتی شدن سوق داده و در واقع این دو رویکرد در صدد پاسخ به معمای امنیت در نظام آنارشیک بین‌المللی بر آمدند. سؤال اصلی برای این گروه از رئالیست‌ها این است که چه مقدار از قدرت برای دولت‌ها لازم و یا کافی است؟ و یا اصولاً دولت‌ها چه زمانی بایستی به بیشینه‌سازی قدرت روی آورند؟ پاسخ‌هایی که به این پرسش داده شده است، این دو نخله رئالیستی را از هم متمایز ساخته‌اند (Krishner, 2010: 4). نظام آنارشیک بین‌الملل بر رفتار و نحوه عملکرد دولت‌ها در تأمین امنیت تأثیر می‌گذارد. منبع اصلی معمای امنیتی در رئالیسم تهاجمی همچون رئالیسم دفاعی از طبیعت آنارشی سیاست بین‌الملل نشأت می‌گیرد. در حالی که رئالیست‌های دفاعی بر این باورند که معمای امنیت همکاری را در سیاست بین‌الملل به دنبال دارد و صلح، پویا و تنظیم‌کننده خودش است و از طریق همکاری به دست می‌آید، سیاست بین‌الملل نه فقط جنگ بلکه صلح و همکاری را نیز در بر می‌گیرد، رئالیست‌های تهاجمی بر این اعتقادند که معمای امنیت و دست یافتن به آن جنگ را میسر می‌سازد، جنگ و سیاست دو روی یک سکه‌اند (Tang, 2010: 27-33). بر خلاف رئالیسم تهاجمی، فرض رئالیسم تدافعی این است که آنارشیک بین‌المللی معمولاً خوش‌خیم است؛ یعنی امنیت چندان نایاب نیست. در نتیجه دولت‌ها که این را در می‌یابند؛ رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آن‌ها وجود دارد، نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و این واکنش نیز اغلب در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است و تنها در شرایطی که معضل امنیت خیلی جدی شود، واکنش‌های سخت‌تری به شکل بروز تعارضات رخ خواهد نمود. به عبارت دیگر؛ دولت‌ها زمانی اقدام به گسترش نفوذ و افزایش قدرت خود می‌کنند که احساس ناامنی کنند. بر این اساس، حضور دولت در خارج از مرزهای ملی فقط در شرایط تصور ناامنی صورت می‌گیرد (جهانبین و پرتو، ۱۳۹۱: ۱۲۵-۱۲۴). رابرت جرویس^۱ یکی از نظریه‌پردازان اصلی رئالیسم تدافعی می‌گوید: «دولت‌ها بدون کاهش امنیت دیگران، می‌توانند خود را حفظ کنند و حتی در پیش گرفتن سیاست تدافعی، بر اتخاذ سیاست تهاجمی آنان ترجیح یابد؛ حتی افزایش اساسی در امنیت

دولت‌ها فقط مقدار ناچیزی از امنیت سایر دولت‌ها را کاهش داده و در این شرایط، همه قدرت‌های خواهان «حفظ وضع موجود» می‌توانند از درجه بالای امنیت برخوردار گردند. بنابراین، دولت‌ها با رضایت از فرصت‌های فراهم شده، از توسعه نفوذ خود در خارج از مرزهای ملی در قبال دستیابی به ضمانت‌هایی برای امنیت خویش چشم می‌پوشند (Jervis, 1978: 178). در این چارچوب باید گفت؛ رشد گروه‌های تروریستی در سال‌های اخیر در خاورمیانه نشان دهنده فصل جدیدی از مسائل امنیتی در منطقه است. در این میان؛ ظهور گروه سلفی - تکفیری داعش در عراق و سوریه که خود بر آمده از ترکیبی از ساختار شکننده این کشورها، شکاف‌های قومی - مذهبی و نیز مداخله کشورهای خارجی در صحنه سیاست این دو کشور از سوی دیگر است؛ تهدیداتی امنیتی و سرزمینی برای بازیگران محور مقاومت منطقه و در رأس آن جمهوری اسلامی ایران قلمداد گشت. در این راستا؛ تهران برای جلوگیری از توسعه بحران ناشی از پیدایش این گروه تروریستی در منطقه، اقدامات و راهکارهای نظامی و سیاسی را در پیش گرفت و از این طریق ضمن جلوگیری از فروپاشی حلقه‌های محور مقاومت در منطقه، از سرریز شدن ناامنی و بحران به درون قلمروی سرزمینی خود ممانعت ورزید.

قدرت‌یابی داعش در عراق: بسترها و زمینه‌ها

گروه تروریستی وابسته به «ابومصعب زرقاوی» در آغاز شکل‌گیری آن در عراق، که به «جماعت توحید و جهاد» معروف شد، به دلیل وضعیت بی‌ثبات عراق در سال‌های پس از حمله آمریکا به این کشور و بیعت زرقاوی، سرکرده این گروه با شخص اول القاعده با عنوان «القاعده در عراق» فرصت بروز و گسترش یافت (Bunzel, 2015: 13-14). عراق کشور اشغال شده‌ای بود که ارتشی برای برقراری امنیت در اختیار نداشت و مهم‌تر از آن روند انتقال قدرت در این کشور به کندی پیش می‌رفت و با دخالت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی امکان اجماع در مورد ساخت دولت وجود نداشت و نبود امنیت در یک کشور جنگ‌زده توجیهی برای حضور نیروهای خارجی در یک کشور را فراهم می‌کرد (Cloud, 2007: 26). در ارتش عراق، افسران به واحد خود همچون ابزاری تجاری با عواید قابل اعتماد می‌نگرند تا نهادی برای مبارزه علیه تهدیدات امنیتی. ژنرالی در ارتش عراق می‌گوید: «شما مقام فرماندهی را به دست نمی‌آورید، شما آن را می‌خرید». ساختار اداری نیروهای ارتش عراق نیز این مشکل را تشدید می‌کند. برای مثال؛ افسران عالی رتبه متهم به خرید غذا برای سربازانشان و کسر آن از حقوق‌شان هستند. در عمل، جیب افسران پر از این پول‌هاست و عوایدی برای زیردستانشان. سربازان در موصل، غذا و آب خود را از فروشگاه‌های غیرنظامی خریداری کرده و برای خودشان غذا می‌پزند، وظیفه دیگر، ساعات کار طولانی نامطلوب است. در عمل، فروش سوخت در فروشگاه‌های غیرنظامی و حیف و میل کردن پول برای غذا، آمادگی و اراده آن‌ها به مبارزه را کاهش داده است. فساد فراتر از مواد غذایی است، به گفته افسری:

«فساد، کرامت و اعتماد به نفس را گرفته است». اگرچه برخی اشکال فساد به حال بیشتر سربازان زیانبار بوده، اما برخی نیز به شکلی فسادگونه ترتیبات مزیت‌بخش متقابلی را شکل داده‌اند. افسران عالی‌رتبه، غیبت سربازان خود را در فهرست پرداخت‌ها آورده و به آن‌ها پیشنهاد فرصتی را برای عدم گزارش آن به مقامات بالاتر با مبادله بخشی از حقوق‌شان می‌دهند (حاجی‌یوسفی و حسین‌زاده، ۱۳۹۷: ۵۳-۵۴). هنگامی که دولتی ورشکسته شد، در فضای به وجود آمده تروریست‌های خارجی از کشورهای دیگر به این کشورها می‌آیند یا از این کشورها به کشورهای دیگر می‌روند. مسئله‌ای که بسیاری از دولت‌ها را در چند سال اخیر درگیر مسائل تروریسم و حملات تروریستی کرده و سبب شده بحران در یک کشور به معضل امنیتی جهانی بدل شود. مثال روشن این مسئله، عراق و سوریه است که جنگجویان خارجی از کشورهای عربستان، قطر، سودان، الجزیره، فرانسه، مراکش، اندونزی، مصر و ... به این دو کشور بیایند و در آنجا تجمع کنند (Simons & Tucker, 2007: 388). سابقه ایجاد داعش به حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ باز می‌گردد. خلأ قدرت در عراق و قدرتیابی شیعیان موجب نارضایتی اهل سنت شد. هیلاری کلینتون^۱، وزیر امور خارجه سابق آمریکا، در کتاب خاطرات خود^۲ به سبب رأی دادن به لایحه اجازه حمله به عراق عذرخواهی می‌کند. او معتقد است؛ حمله آمریکا به عراق موجب افزایش قدرت ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و قدرتیابی جهادی‌های القاعده و تروریست‌ها به دلیل خلأ قدرت ایجاد شده بود (Bradley, 2014: 1). بررسی پایگاه‌های اینترنتی، در سال ۲۰۰۳ نشان می‌دهد که با حمله آمریکا به عراق، حدود یکصد گروه جهادی سنی در عراق تأسیس شدند که پنجاه و نه گروه آن، عضو القاعده و سی و شش گروه انصار السنه بودند (Dexter, 2005: 13). افزایش قدرت شیعیان موجب افزایش رادیکالیزم سنی و عملیات انتحاری سنی‌های تندرو در عراق شد. پس از شورش‌های فلوچه عراق در سال ۲۰۰۴، الزرقاوی، فرد شماره دو القاعده، در پیامی صوتی ضمن توهین به شیعیان آنان را جاسوس و دشمن معرفی کرد (Nasr, 2004: 40). در سال ۲۰۱۱، نخست‌وزیر عراق (نوری‌المالکی) به تدریج مخالفان سنی خود را تهدید کرد و سیاستمداران سنی را تحت فشار قرار داد. از جمله صالح‌المطلق^۳، معاون نخست وزیر و طارق الهاشمی^۴، معاون رئیس جمهور، را برکنار کرد (Mikail, 2014: 2). این اقدام‌های مالکی و افزایش تهدیدها علیه اهل سنت عراق سبب شد تا آن‌ها به حمایت از گروه تروریستی داعش بپردازند. با پیروزی مالکی در انتخابات سال ۲۰۱۴، این حمایت‌ها افزایش یافت. داعش با تحریک شیعیان و مقابله به مثل با سنی‌ها و ایجاد جنگ داخلی و فرقه‌ای می‌کوشد بر منطقه خلیج فارس مسلط شود (Steinberg, 2014: 6). در واقع، قدرت گرفتن داعش در معادلات امنیتی و سیاسی عراق، همزمان نتیجه تنوع قومی - فرقه

1. Hillary Clinton
2. Hard Choices
3. Saleh Al-Motlagh
4. Tariq Al-Hashimi

ای، چالش‌های امنیتی درونی و گسترش رقابت‌ها و حمایت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از داعش است و این رخداد ضمن تهدید تمامیت ارضی عراق، امنیت و ثبات منطقه‌ای را نیز به صورت جدی در مخاطره قرار می‌دهد.

ریشه‌ها و بسترهای سر بر آوردن داعش در سوریه

سوریه کشوری متشکل از گروه‌های نژادی و قومیت‌های گوناگون است. جامعه سوریه با بیش از چهل مؤلفه قومی، دینی و مذهبی تشکیل شده است و این خرده فرهنگ‌ها همواره نقش سازنده در تقویت فرهنگ این کشور داشته است. این تنوع فرهنگی، دینی و اجتماعی در روند شکل‌گیری تحولات اخیر این کشور به نحوی اثرگذار بوده است (سمیعی‌اصفهانی و شریف‌یلمه، ۱۳۹۵: ۱۷۴). با آغاز جنگ در سوریه در اوایل سال ۲۰۱۱ و تغییر ماهیت اعتراضات از سیاسی و مدنی به تروریستی و فرقه‌ای تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌ای و عملیات روانی، ائمن الظواهری، رهبر القاعده جهان، با صدور بیانیه‌ای، القاعده را به جهاد در شام فراخواند و ابو محمد الجولانی از سوی القاعده عراق، مأمور تشکیل القاعده سوریه به نام جبهه النصره شد. پس از مدت کوتاهی نیروهای جهادی از کشورهای مختلف جهان با گرایش‌های سلفی - تکفیری برای ملحق شدن به جبهه النصره به منظور جهاد با علوی‌ها به سوریه رهسپار شدند. این استقبال گسترده از سوی مجاهدین در کشورهای گوناگون، نگرانی ابوبکر بغدادی را موجب شد. او بی درنگ به جولانی دستور داد تا تبعیت جبهه النصره به دولت اسلامی عراق را اعلام کند. اما جولانی چنین چیزی را نپذیرفت و در پاسخ به بغدادی گفت؛ این اقدام به مصلحت شورش در سوریه نیست و تمامی اعضای شورای مجاهدین نسبت به این امر اتفاق نظر دارند. با رد پیشنهاد بغدادی از طرف جولانی، نهایتاً بغدادی به همراه یاران خود به سوریه وارد شد و پس از سه هفته طی بیانیه‌ای، انحلال جبهه النصره و تأسیس داعش را اعلام کرد که در پی این اقدام، نیمی از افراد جبهه النصره با بغدادی بیعت کردند. جولانی در واکنش به اقدام بغدادی با صدور بیانیه‌ای، بیعت خود با ائمن الظواهری و تشکیلات القاعده سوریه را رسماً اعلام کرد (فرمانیان و ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۳: ۴۰). پس از گذشت چند ماه از این قضیه، ائمن الظواهری در بیانیه‌ای حمایت خود را از جولانی اعلام و از بغدادی خواست که به عراق برگردد و در شام دخالت نکند. ولی بغدادی فرمان ائمن الظواهری را رد کرد و به همین علت درگیری میدانی میان داعش و جبهه النصره در اوایل ۲۰۱۳ به شدت بالا گرفت که در این راستا؛ ائمن الظواهری، در فوریه ۲۰۱۴ به طور رسمی هر گونه انتساب این گروه به القاعده را رد کرده است.

از آنجا که عامل مذهب یکی از مؤثرترین عوامل انگیزشی است، گروه سلفی - تکفیری داعش در سوریه فعال شد و در شرایط آشوب و هرج و مرجی که بخش‌های وسیعی از سوریه را در بر گرفته بود، توانست با تسلط بر برخی استان‌ها نظیر رقه و دیرالزور و تسخیر چاه‌های نفت و دستیابی به مهمات و تسلیحات

پادگان‌ها و مراکز نظامی، خود را در ابعاد مالی، تسلیحاتی و نیروی انسانی به سرعت گسترش دهد. بحران سوریه از چند منظر باعث افزایش توان داعش شد که مهمترین ابعاد آن عبارتند از: بهره‌گیری داعش از جنگ سوریه برای تصرف بخشی از این کشور و تبدیل کردن شرق سوریه به پایگاهی برای توسعه توانمندی‌های خود، آموزش و سازماندهی نیروها در سوریه بدون دغدغه جدی، جذب نیروی انسانی گسترده از کشورهای مختلف در پرتو بحران سوریه، تشدید تنش‌های مذهبی در منطقه و ایجاد بستر برای گروه‌ها و رفتارهای افراط‌گرایانه، افزایش رقابت‌ها و اختلافات منطقه‌ای و جذب منابع مالی از برخی بازیگران منطقه‌ای در جهت تصاعد بحران در سوریه و عراق و مجاورت جغرافیایی عراق با سوریه و ترکیه که به انتقال نیروها، تسلیحات و منابع مالی بسیار کمک می‌کند (مبینی‌کشه و آجیلی، ۱۳۹۳: ۱۲۷). بر این اساس، بحران سوریه و حمایت برخی کشورهای عربی و غربی از معارضان توانست فضای تنفسی خوبی در اختیار داعش قرار دهد؛ تا با تصرف بخش‌های شرقی این کشور، شهر رقه را به عنوان پایتخت خود اعلام کند و از آنجا به سوی عراق پیشروی کند و برخی مناطق مهم عراق از جمله موصل را اشغال نماید. در حال حاضر، چگونگی مبارزه با داعش در سوریه درکنار حل بحران سوریه نیز یکی از موضوعات مهم مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای می‌باشد.

سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران در نابودی داعش در سوریه و عراق مهم‌ترین، حیاتی‌ترین و فوری‌ترین هدف سیاست خارجی هر کشوری، حفظ موجودیت و تأمین امنیت ملی آن کشور است. جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و ناگزیر از تأمین امنیت ملی و صیانت از مرزهای سرزمین خویش است. در واقع، حفظ امنیت ملی هر کشوری از منافع وجودی آن کشور است و در صورت تهدید آن، موجودیتش نیز تهدید می‌شود. امنیت ملی ایران، تنها به حفظ تمامیت ارضی کشور یا حاکمیت و استقلال آن، محدود نمی‌شود؛ بلکه در نگاه جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی عبارت است از: «فقدان هرگونه تهدید ضد ارزش‌های مکتسب جمهوری اسلامی ایران و عدم احساس تهدید نسبت به آن‌ها» (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۱۴۸). از مهم‌ترین تهدیدهایی که گمتمان اسلام انقلابی با آن مواجه است، اقدام‌های تروریستی داعش و معرفی آن به عنوان «جهاد فی سبیل‌الله» است. در نتیجه، مطبوعات و رسانه‌های کشورهای غربی اقدام‌های تروریستی داعش را با ارزش‌های واقعی اسلام، همسان جلوه می‌دهند و به این ترتیب، یکسان‌انگاری گرایش‌های مختلف اسلام، باعث می‌شود تا ارزش‌های حقیقی جمهوری اسلامی ایران نزد افکار عمومی، خدشه‌دار شود. فعالیت تکفیری‌ها، مرزهای جمهوری اسلامی ایران را با هیچ خطری مواجه نمی‌کند، اما نباید امنیت جمهوری اسلامی ایران را در حصار مرزهای آن جستجو کرد. خط مقدم جبهه مبارزه ضد داعش و حامیان آن، تنها در مرزهای سرزمین ایران نمی‌گنجد و امروزه جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرتمندترین کشور منطقه، عمق استراتژیک خود را تا

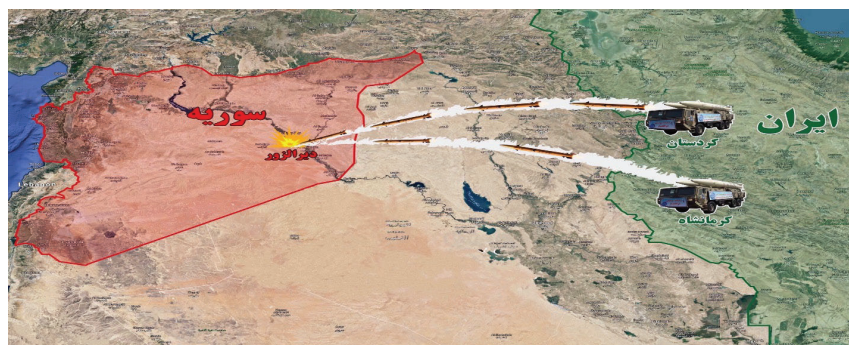
مرزهای جنوبی لبنان با رژیم صهیونیستی گسترش داده است. سرلشکر صفوی، دستیار و مشاور عالی فرماندهی کل قوا، در این باره گفت: «قدرت نفوذ ایران از محور ایران، عراق و سوریه تا مدیترانه رسیده و این سومین بار است که قدرت نفوذ ایران تا مدیترانه گسترده شده است. خط دفاعی ما دیگر شلمچه نیست، مرز دفاعی ما جنوب لبنان با اسرائیل است و عمق دفاع استراتژیک ما تا کنار مدیترانه و بالای سر اسرائیل رسیده است. نگرانی غربی‌ها از توسعه نفوذ قدرت ایران از خلیج فارس تا مدیترانه است» (رضایی و موسوی‌جشنی، ۱۳۹۶: ۱۵۵-۱۵۲). ایران به عنوان یک کشور شیعی از اهمیت ویژه و قدرت نفوذ بالایی در منطقه برخوردار است. داعش همانند دیگر کشورهای عرب سنی بر این باور است که ایران تلاش دارد با ایجاد یک بلوک شیعی در منطقه، بر قدرت خود بیفزاید و آن را علیه منافع کشورهای سنی و داعش به کار گیرد. از این رو، حمایت ایران را از حکومت شیعی در عراق، حکومت اسد در سوریه، حزب الله در لبنان، انصارالله در یمن و اکثریت مردم بحرین و ... را منافعی با فعالیت و اهداف توسعه خود در منطقه می‌بیند. بنابراین، جریان‌های تکفیری در صدد هستند در جهت عمل به ایدئولوژی واهی و خشن خود (مرتد دانستن شیعه و اعلام جهاد مسلحانه علیه آنان)، ضمن ناآرامی در مناطقی از ایران (به ویژه مناطق سنی‌نشین در مرزهای کشور) با از بین بردن حرکت ارتباطی هلال شیعی در منطقه، عمق استراتژیک ایران را در منطقه از بین ببرد (هراتی و قربی، ۱۳۹۶: ۱۳۸). نابودی تمامی مسلمانان و اقلیت‌های غیرمسلمان در خاورمیانه، هدفی است که رهبران داعش به دنبال آن هستند. آنچه که در مواضع داعش به نظر می‌آید این است که هدف اول شیعیان هستند که عمدتاً در ایران، عراق و بحرین اقامت دارند (Rashid, 2014: 25). بنابر درک داعش از اسلام «شیعیان حتی مسلمان هم نیستند» و بنابراین کشتار شیعیان را بر اساس اعتقادشان، مشروع می‌دانند (Ghilan, 2014: 132).

مفتیان وهابی عربستان همواره فتاوی مورد نیاز گروه‌هایی چون داعش را در توجیه افکار و اقدامات و جنایاتشان صادر می‌کنند؛ به نحوی که حتی باراک اوباما در مصاحبه‌ای با شبکه «ان بی اس» مشکل پیش‌روی آمریکا را در خاورمیانه نه ایران؛ بلکه افراط‌گرایان سنی مذهب در منطقه دانست (Alam, 2014: 11). این در حالی است که بر مبنای شواهد میدانی، عربستان در صدد است با تقویت گروه‌های تروریستی ضد شیعه و ناراضی در منطقه، حضور و نفوذ معنوی ایران را تضعیف کند (Cafiero & Wagner, 2015: 1). شائل بن افرام، تحلیل‌گر صهیونیست، معتقد است که داعش به طور کامل، مطابق با منافع راهبردی و ملی آمریکا عمل می‌کند و فرصت کنونی که به یمن فعالیت جریان تکفیری ایجاد شده، نقطه عطفی است که آمریکا می‌تواند از آن در راستای ایجاد نوعی موازنه قوا در منطقه استفاده کند و قدرت ایران را که با حمله آمریکا به عراق و سقوط صدام حسین و به قدرت رسیدن دولت شیعی در این کشور و تقویت محور مقاومت، شامل حزب الله و حماس، روندی رو به تزاید داشت، تعدیل کند (Ben-

9: Ephraim, 2014). تلاش داعش جهت تصرف و سقوط دولت عراق با ناامن کردن مرزها و فراهم کردن زمینه قاچاق تسلیحات نظامی به داخل کشور و نیز پشتیبانی و اعزام گروه‌های تروریستی می‌تواند چالشی بزرگ را در پی داشته باشد. انگیزه و تلاش رهبران داعش برای انجام عملیات‌های تروریستی در ایران از اعلامیه‌های صادر شده از طرف آن‌ها قابل فهم است. مهمترین اقدام در این زمینه در آذر ماه ۱۳۹۴ اتفاق افتاد که چهار عروسک بمب‌گذاری شده توسط زائران کربلا به ایران وارد شد که با آگاهی دستگاه‌های امنیتی این توطئه شناسایی و خنثی شد (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۸۰). همچنین داعش و گروه تروریستی ایران «سازمان مجاهدین خلق» مشترکاً گروه تروریستی بلوچی جندالله را حمایت و پشتیبانی می‌کنند تا عملیات تروریستی مشترک علیه ایران انجام دهند (التیامی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷۴). در این میان، حمله داعش به مجلس شورای اسلامی و مرقد امام خمینی (ره) در ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ را نیز باید در راستای ناامن‌سازی ایران توسط داعش و حامیان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن دانست. در این رابطه، در فاصله چند روز بعد از این اقدام تروریستی، جمهوری اسلامی ایران برای انتقام این حملات در ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ مواضع داعش در استان دیرالزور^۱، واقع در شرق سوریه را هدف حمله موشکی قرار داد و اهداف و سیاست‌های این گروه تروریستی را در منطقه با شکست مواجه ساخت. لذا، ایران در برخی موارد برای حفظ امنیت منطقه‌ای و منافع خود از عملیات مستقیم نظامی در مرزهای غربی خود (عراق و سوریه) استفاده کرده است. در این راستا باید گفت؛ با توجه به این که حضور و فعالیت گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه به یک تهدید علیه امنیت ملی ایران تبدیل شدند؛ لذا جمهوری اسلامی ایران درصدد رفع تهدیدات امنیتی ناشی از وقوع بحران در دو حلقه امنیتی ضروری و غیرضروری خود یعنی عراق و سوریه بر آمده است و با اتخاذ رویکردی تدافعی در جهت تأمین اهداف و منافع به خصوص منافع امنیتی خود و اعضای محور مقاومت گام بر می‌دارد. هم‌اکنون هزاران جنگجوی مورد حمایت ایران در حال پیشروی به سوی شرق سوریه و نزدیک شدن به مرزهای عراق هستند. هدف تهران ایجاد کریدوری است که ایران را از طریق عراق به سوریه و سپس مدیترانه متصل کند و برای اولین بار راه بلامنازعی را برای رساندن کمک به متحدان خود در سوریه و لبنان ایجاد کند. حمله گسترده موشکی ایران برای آزادسازی دیرالزور در شرق سوریه در این راستا قابل تحلیل است.

1. Deir Al-azor

نقشه شماره ۱: حمله موشکی ایران به مواضع داعش در سوریه



(خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۶/۳/۲۹)

نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در سوریه قاعده بازی را به سود دولت سوریه تغییر داده است. ایران علاوه بر حمایت دیپلماتیک و اقتصادی، در فراهم نمودن تسلیحات و اعزام مستشاران نظامی برای نظام سوریه نقش مهمی ایفاء کرده است. جمهوری اسلامی ایران پس از درخواست نظام سوریه بسیاری از مستشاران سپاه و ارتش را برای مقابله و نبرد با گروه‌های تروریستی به این کشور اعزام کرده است. بنابراین، لازم است که ایران حتی با ابزار نظامی از محور مقاومت حمایت به عمل آورد و با این اقدام همچنان نفوذ منطقه‌ای خود را حفظ و به تقویت هرچه بیشتر محور مقاومت در منطقه بپردازد. از این‌رو، یکی از پیامدهای حضور داعش در عراق برای ایران گسترش ناامنی، افراط‌گرایی و تنش‌های مذهبی در عراق و سرایت آن به ایران است که تنش‌ها و تهدیداتی جدی را در داخل ایران به وجود می‌آورد. در حوزه تهدید اجتماعی توسط داعش، به نظر می‌رسد که یکی از مهمترین مسئله‌ها، بحث درگیری بین شیعه و سنی است. به نظر داعش «شیعیان حتی مسلمان هم نیستند» و کشتار شیعیان را بر اساس اعتقاداتشان مشروع می‌دانند. بنابراین، این خطر وجود دارد که داعش بتواند با تبلیغات وسیع خود حساسیت اهل تسنن ساکن در ایران را علیه شیعیان برانگیزد. همچنین تجزیه عراق و در نتیجه تسلط داعش به عنوان تهدیدی به تمامیت ارضی ایران و یکپارچگی سرزمینی آن محسوب می‌شود که در بلندمدت می‌تواند باعث ایجاد روندهای واگرایانه در کشور شود (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۸۹). ناامن کردن عراق می‌تواند با دو هدف بر امنیت ملی ایران تأثیرگذار باشد؛ ایران درگیر مسائل داخلی عراق شده و همزمان دغدغه خود را معطوف به دو جبهه یعنی سوریه و عراق نماید. در این صورت، عراق به عنوان حائلی بین ایران و سوریه می‌تواند به فرسایش توان اطلاعاتی و نظامی ایران در منطقه بینجامد. با تشدید اقدامات نظامی در عراق، دامنه جنگ را به سمت مرزهای ایران کشانیده و در این جبهه نیز دغدغه ذهنی ایران را به حل تنش‌های احتمالی سیاسی و مذهبی در مناطق مرزی معطوف نماید. با این اوصاف، هر چند عراق جدید همانند

گذشته یک تهدید نظامی نیست؛ اما همچنان زمینه‌های بالقوه هدایت تنش و ناامنی به حوزه امنیت ملی ایران را دارا می‌باشد. مسائل امنیتی در شرایط جدید عراق تغییری جدی کرده است؛ چالش‌های ناشی از رقابت گروه‌های مختلف قومی و سیاسی در داخل عراق و آثار زیان‌بار ناشی از بی‌ثباتی و جنگ داخلی، افراط‌گرایی، تفرقه‌های قومی و مذهبی و نهایتاً احتمال تجزیه این کشور؛ از جمله چالش‌های جدید می‌باشند که از زاویه داخلی عراق وارد حوزه امنیت ملی ایران می‌شود (هراتی و قربی، ۱۳۹۶: ۱۲۹).

گروهک داعش در کشور عراق در راستای منافع قدرت‌های جهانی (به خصوص آمریکا) و منطقه‌ای نظیر؛ رژیم صهیونیستی، عربستان و ... سعی در تضعیف نفوذ ایران در این کشور دارد و در تلاش برای تغییر وضع موجود و جایگزینی قدرت سنی - عربی در این کشور برای تغییر موازنه قدرت در کشورهای همجوار ایران می‌باشد. از این‌رو، جایابی قدرت در عراق می‌تواند قدرت ایدئولوژیک و فرهنگی ایران را کاهش دهد و الهام‌بخشی فرهنگی و اقتدار منطقه‌ای ایران را تضعیف نماید. کاهش قدرت شیعیان عراق سبب خواهد شد که روابط دو کشور رو به خصومت‌گرایی رود و مرزهای ایران با ناامنی مواجه شود. چون امکان دارد باعث حمایت گروه حاکم بر عراق از گروه‌های تجزیه طلب و اقلیت‌ها در ایران شود و همین امر، لزوم آمادگی رزمی و نظامی ایران در مناطق مرزی را افزایش می‌دهد. در عین حال، کاهش توانمندی ایدئولوژیک و الهام‌بخشی سیاسی و فرهنگی ایران در منطقه، بعد از قدرت‌یابی داعش در این کشور، می‌تواند از اعتبار منطقه‌ای و قابلیت‌های تأثیرگذاری در مراودات سیاسی ایران بکاهد و هزینه‌های دیپلماتیک و سیاسی زیادی برای بازسازی چهره تخریب شده ایران توسط داعش ایجاد کند؛ زیرا این گروه تروریستی با استعانت از ابزارهای دیجیتالی و ارتباطی، سعی در تخریب چهره ایران در جامعه اسلامی دارد و خواستار نشان دادن چهره‌ای فرصت‌طلب و ضد اهل سنت در منطقه هستند و این سیاه‌نمایی‌های رسانه‌ای داعش می‌تواند در کشورهای منطقه نوعی احساس خطر به وجود آورد و با هراس بنیادین از سیاست‌های ایران، همیاری کشورهای عربی منطقه با عربستان، بحرین و ... در فرایند اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی را افزایش دهد (هراتی و قربی، ۱۳۹۶: ۱۳۶-۱۳۵). از این‌رو، در صورت فرض قدرت‌یابی سیاسی داعش در عراق، منطقه‌گرایی ایران در عرصه سیاست خارجی تضعیف می‌شود و هم‌پیمان راهبردی ایران به واسطه مرزهای سرزمینی و فرهنگی به تهدیدی مهم برای ایران تبدیل خواهد شد؛ زیرا گروه‌های تکفیری - تروریستی در راستای منافع رژیم صهیونیستی و غرب گام بر می‌دارند و به شدت با سیاست‌های منطقه‌ای ایران مخالف هستند و این موضوع به تنگ شدن محیط راهبردی و الهام‌بخشی رهبری منطقه‌ای ایران منجر می‌شود. در عین حال، عمق راهبردی غرب و صهیونیست‌ها در منطقه به دلیل کاهش قدرت بین‌المللی محور مقاومت نیز افزایش می‌یابد و همین موضوع، منافع ملی ایران را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ زیرا موازنه قوا و قدرت منطقه‌ای به سمت و سوی قدرت‌های ارتجاعی منطقه و اتحاد استراتژیک آمریکا با رژیم صهیونیستی سوق می‌یابد که این جریان، مخالف کنشگری منطقه‌ای و نقش

رهبری منطقه‌ای ایران است و در صورت امکان، خواستار تغییر نظام سیاسی در ایران هستند.

در خرداد ۱۳۹۳ که داعش به فاصله کمتر از یک ماه، ۵ استان در عراق را پشت سر گذاشت و به نزدیکی مرزهای ایران رسید؛ بلافاصله ارتش در مرز حاضر شد و تیپ‌های خود را در منطقه مستقر کرد. در آن زمان مشخص نبود که داعش دقیقاً تا کجا آمده است. پس از شناسایی محل دقیق داعش، بلافاصله با نظر ستاد کل نیروهای مسلح، خط قرمزی به فاصله ۴۰ کیلومتر خارج از ایران ترسیم شد و پس از آن نیز با هماهنگی نیروهای عراقی این منطقه ۴۰ کیلومتری جهت مقابله احتمالی با داعش تجهیز شد. بالگردهای هوانیروز و پرنده‌های نیروی هوایی نیز برای بمباران مواضع داعش در حالت آماده‌باش کامل قرار گرفتند. هوانیروز عملیات‌هایی برای شناسایی مواضع داعش انجام داد؛ اما نیروی هوایی جمعیتی از نیروهای داعش که خارج از خط ۴۰ کیلومتر تشکیل شده بود را بمباران کرد. نفرات داوطلب ارتش حضور فعال و خوبی به صورت مستشاری در جبهه مقاومت دارند (شمسینی غیاثوند و شاپوسی، ۱۳۹۷: ۶۲). در تابستان همان سال نیروهای داعش در حالی که به پیشروی‌های خود ادامه می‌دادند، توانستند دو شهر کوچک در استان دیاله به نام‌های «السعیدیه» و «جلولاء» در شرق عراق را به تصرف خود درآورند. این دو شهر در نزدیکی مرز عراق با ایران یعنی مرز خانقین (مرز خسروی در استان کرمانشاه) هستند. حرکت داعش در عراق، بزرگترین خطر امنیتی ملی برای ایران در چند دهه اخیر است. داعش دارای چند منظور اصلی است: اولین هدف، شکستن استراتژی هلال شیعه و ایجاد یک منطقه و حتی کشور سنی‌نشین در مرکز این هلال شیعی و هدف دوم، فاصله انداختن بین ایران و جنوب عراق با سوریه و اسرائیل است. از همین زاویه، بزرگترین خطر فوری که کشور را تهدید می‌کند، نبودن این سپر و حائل بین ایران و این گروه در مرز غربی است. یکی از هدف‌های اصلی داعش؛ نه رسیدن به دمشق یا حتی بغداد، بلکه رسیدن به مرز ایران و قطع ارتباط کردستان عراق با شیعیان جنوب است. بی‌نظمی‌ها و بی‌ثباتی‌های ناشی از بحران عراق و سوریه می‌تواند؛ معضلات و مشکلاتی همچون هجوم پناهندگان، اختلال در تجارت اقتصادی و معضلات زیست‌محیطی، گسترش ناامنی و تروریسم و... را بر جای گذارد. می‌توان تصور کرد که این گروه‌های تروریستی با این مرام بر عراق و شام تسلط یابد، وجود چنین تصویری نیز وحشتناک است. نزدیک شدن این گروه تروریستی به مرزهای ایران می‌تواند؛ پیامدهای امنیتی برای کشور در بر داشته باشد. این موضوع به ویژه در صورت دستیابی این گروه به سلاح‌های میان‌برد ابعاد جدی‌تری خواهد یافت (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۷۸۹).

برخلاف واقع‌گرایی تهاجمی، فرض واقع‌گرایی تدافعی این است که آنارشی بین‌المللی معمولاً خوش‌خیم است؛ یعنی امنیت چندان نایاب نیست. در نتیجه دولت‌ها که این را در می‌یابند رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آن‌ها وجود دارد؛ نسبت به آن واکنش نشان

می‌دهند و این واکنش نیز اغلب در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است و تنها در شرایطی که معضله امنیت خیلی جدی شود واکنش‌های سخت‌تری به شکل بروز تعارضات رخ خواهد نمود. به عبارت دیگر؛ دولت‌ها زمانی اقدام به گسترش نفوذ و افزایش قدرت خود می‌کنند که احساس ناامنی کنند. بر این اساس، حضور دولت در خارج از مرزهای ملی فقط در شرایط تصور ناامنی صورت می‌گیرد (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۵). در این راستا؛ سپاه قدس ایران که فرماندهانش در جایگاه مستشاران نظامی به یاری ارتش و نیروهای مردمی دو کشور شتافته بودند؛ هدایت مبارزه با داعش را پشت خاکریز شهرهای تحت تسلط تروریست‌ها بر عهده گرفتند. از حدود یک سال پیش، با توسعه روابط سیاسی تهران و مسکو و به تبع آن موفقیت ایران در تعدیل رویکرد روسیه نسبت به تداوم حضور بشار اسد در دولت سوریه، مسکو نیز با جنگنده‌ها و موشک‌های دوربرد خود به جبهه مبارزه با تروریست‌های مستقر در خاک سوریه پیوست. پس از آن، تغییر روند مذاکرات بحران سوریه از مذاکرات فرمایشی در ژنو به مذاکرات اثرگذار در آستانه با مشارکت ایران، ترکیه و روسیه، فضا را برای تمرکز و تجمیع نیروها برای مبارزه قدرتمندتر با داعش فراهم آورد. در تمام این مدت، نیروهای آمریکایی فضا سازی رسانه‌ای را دنبال می‌کردند که مدعی بود؛ این کشور اگرچه جبهه مبارزه با تروریسم را در سوریه به دیگران سپرده است؛ اما در عراق فعال است. حال آن‌که واقعیت چیزی جزء بهره بردن تروریست‌ها از حمایت‌های اطلاعاتی نیروهای آمریکایی مستقر در عراق و برخورداری از پشتوانه مالی و لجستیکی عربستان سعودی را عیان نمی‌کرد (شمسینی غیاثوند و شاپوسی، ۱۳۹۷: ۶۰-۵۹).

طبق نظریه واقع گرایی تدافعی از آنجایی که خاورمیانه یک نظام آنارشیک منطقه‌ای است که همواره با مسئله معمای امنیتی رویه‌رو بوده است، دولت‌هایش به ناگزیر برای تأمین امنیت، در تکاپوی افزایش قدرت‌اند، چراکه در نظام آنارشیک و خودیار، دولت‌ها تنها با توسل به قدرت‌شان می‌توانند نسبت به بقایشان خاطر جمع شوند. افزایش قدرت دولت‌ها نیز با توسل به منابع درونی یا از طریق پیوستن به متحدان بیرونی تحقق می‌یابد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۷۰). در این میان، حضور داعش در کشورهای عراق و سوریه، به ویژه پس از حمله این گروه تروریستی به ایزدی‌تبارهای عراق، باعث شد تا بیش از چهل کشور دنیا به رهبری آمریکا ائتلافی نمایشی را ضد داعش شکل دهند؛ این اقدام در حالی صورت گرفت که برخی از این کشورها به ویژه عربستان، ترکیه، آمریکا، امارات، قطر و انگلیس در تشکیل و تجهیز داعش نقشی بسیار تأثیرگذار ایفاء کردند. اوپاما با ارسال نامه‌ای محرمانه به رهبر معظم انقلاب اسلامی، خواستار همکاری ایران با ایالات متحده آمریکا در مبارزه با داعش شد. جمهوری اسلامی ایران هرگز در این ائتلاف‌های نمایشی حضور نیافت و در عوض از فرصت استفاده کرد و پیش از اقدام آمریکا و هم‌پیمانانش، به کمک دولت و مردم عراق، ضد گروه تروریستی داعش شتافت. اقدام‌های اثربخش ایران موجب شد تا تمام

مسئولان عراقی و حتی مخالفان جمهوری اسلامی ایران در این کشور، به تأثیر کمک‌های ایران در پیشگیری از سقوط کامل دولت بغداد و اشغال کامل عراق توسط داعش اعتراف کرده و بارها از ایران تقدیر کنند. اقدام‌های همه‌جانبه ایران به حدی بود که تلاش آمریکا و حامیانش در مبارزه با داعش، به طور کامل در سایه قرار گرفت و رسانه‌های دول مختلف جهان، حتی رسانه‌های غربی بارها از نقش مثبت ایران در این بحران به نیکی یاد کردند؛ این حضور مقتدرانه و اثرگذار، اقتدار نظامی و سیاسی ایران را در منطقه به همه جهانیان، کشورهای فرمانطقه‌ای و کشورهای نظیر عربستان و ترکیه که به شدت با ایران در منطقه جنوب غرب آسیا رقابت دارند، ثابت کرد (Giovanni, 2014: 7). مبارزه با تروریست‌های تکفیری، موقعیت و اهمیت نقش جمهوری اسلامی ایران را در ایجاد نظم و ثبات منطقه‌ای بیش از هر زمان دیگر به اثبات رساند. تلاش‌های غیرقابل انکار این کشور به منظور مبارزه با تروریست‌های تکفیری و صرف هزینه‌های مادی و معنوی در جهت رسیدن به این هدف، سبب شد تا جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، با وجود روابطی تیره که میان ایران و ایالات متحده برقرار است، به آن اعتراف کند؛ او جمهوری اسلامی ایران را دارای نقش اساسی و تأثیرگذار در مبارزه با داعش و دیگر گروه‌های تروریستی در عراق دانست و در پاسخ کسی که نظر او را درباره نقش ایران در عراق پرسید، این‌گونه گفت: «ببینید، ما با ایران در یک چالش هستیم و سعی در حل آن داریم ولی باید این را به شما بگویم که حضور ایران در عراق و مبارزه با داعش و دیگر تروریست‌ها، بسیار مثبت و تأثیرگذار بوده است» (رضایی و موسوی‌جشنی، ۱۳۹۶: ۴۱۶).

در واقع، اذعان به توانمندی فرماندهان و نظامیان ایران در رسانه‌های غربی، یکی از دستاوردهای مهم حضور داعش در منطقه برای جمهوری اسلامی ایران بود. هفته‌نامه نیوزویک درباره نقش ایران در حل بحران عراق نوشت: «ایران علاوه بر ارسال تسلیحات نظامی به عراق، مغز متفکر جنگی خود، سردار قاسم سلیمانی را نیز به این کشور اعزام کرده است. هرچند به طور معمول، سلیمانی به صورت مخفیانه در صحنه‌های جنگ حضور داشت، اجازه انتشار تصاویر خود را از میدان‌های جنگ در آمرلی صادر کرد که به صورت مشخص، این پیام را برای غرب داشت: ایران در صحنه جنگ عراق به طور کامل حضور داشت». این نشریه، همچنین طرح روی جلد مجله را به تصویری از سردار سلیمانی با این متن اختصاص داد: «سلیمانی فردی که ابتدا با آمریکا می‌جنگید و اکنون در حال نابود کردن داعش است» (Giovanni, 2014: 9-10). در رابطه با تأثیر ایران در پایان دادن به حضور داعش در منطقه با اشاره به همکاری ایران و روسیه در به سرانجام رساندن این گروه تروریستی می‌توان گفت که ایران و روسیه دو کشوری بودند که بر خلاف حامیان داعش از ابتدا بر راه حل سیاسی بحران سوریه تأکید داشتند و با وجود این در نهایت اگرچه روند مذاکرات سیاسی آستانه را برای حل بحران پیش بردند؛ اما در مسیر مقابله نظامی با داعش توانستند پیروز باشند. منسوری در گفت‌وگو با «ایران» موفقیت ائتلاف ایران، روسیه، عراق و سوریه را

شکست مضاعف برای بازیگرانی نظیر آمریکا، اسرائیل و برخی کشورهای عربی منطقه توصیف و تصریح کرد: «نیروهای نظامی ایران با توجه به تجربیات ۸ سال دفاع مقدس در انواع جنگ‌ها و عملیات نظامی مستقیم و غیرمستقیم و حفظ آمادگی بعد از جنگ تحمیلی عملاً در صحنه تحولات عراق و سوریه مزد این تجربه و آمادگی خود را گرفتند. ارزش این موفقیت آنجاست که توجه کنیم عملیات نظامی داعش و گروه‌های تکفیری شامل چهار نوع عملیات منظم، نامنظم، شورشی و انتحاری بود و می‌توان مدعی شد تقریباً جنگ و درگیری در دنیا سابقه نداشته که یکی از طرفین آن به چنین تنوعی در عملیات نظامی دست زده باشد» (شمسینی‌غیاثوند و شاویسی، ۱۳۹۷: ۶۱-۶۰).

داعش در صورت غلبه بر سوریه و عراق، پیامدهای بدتری برای کل منطقه ایجاد می‌کرد. تحولات داعش دلیلی برای توجیه جدایی‌طلبی اقلیم کردستان عراق شده بود که عراق واحد قادر به تضمین امنیت کردهای خود نیست. این پیامد می‌توانست موج جدایی‌طلبی و تجزیه را در منطقه شعله‌ور کند. در واقع، تهدید نابودی محور مقاومت به عنوان مرز سیاسی ایران و تلاش عناصر داعش و حامیان این گروه برای کشتاندن محیط درگیری نظامی به جغرافیای سرزمینی ایران، سبب شد ایران تهدید داعش را فراتر از سایر گروه‌های تروریستی دانسته و برای نابودی آن، اتحاد بین کشورهای متضرر از داعش را عمیق‌تر کند. کمک‌های مستشاری، نظامی و حتی ارسال نیرو به سوریه و عراق، تشکیل و حمایت از بسیج مردمی عراق و در نهایت ترغیب روسیه به هم‌سویی برای تقابل نظامی با داعش، باعث شد پایان عملیات بوکمال پایان حضور فیزیکی-نظامی داعش در عراق و سوریه باشد (سلطانی‌گیشینی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۷-۱۳۶). اگرچه وضعیت عراق و سوریه فضای جغرافیایی لازم برای ظهور داعش به ویژه در شکل نظامی را فراهم کردند، اما اتحاد این دو کشور در حذف داعش را باید ناشی از نقش این دو کشور در محور مقاومت و پیامدهای داعش برای کل محور مقاومت و خاورمیانه دانست. محور غربی-عربی خواهان تداوم فعالیت داعش برای نابودی قدرت جبهه مقاومت و به ویژه حذف سوریه از طریق تغییر رژیم اسد از این محور بودند. از این‌رو، این جنگ جدید را با حمایت از گروه‌های تروریستی نیابتی کردند. ترکیه نیز تا ناامید شدن از راه حل غربی، همانند آمریکا خواهان حذف اسد و منع قدرتیابی مجدد علویان در سوریه بود (Kozak, 2017: 3). رژیم صهیونیستی نیز حامی گسترش فعالیت‌های داعش در لبنان و ایران بود. آموس یادلین^۱، ژنرال بازنشسته صهیونیست در ارتباط با حمایت‌های این رژیم از داعش، معتقد بود؛ ایران، حزب‌الله و تروریست‌های سوری دشمن این رژیم هستند، اما این رژیم باید آن‌ها را در برابر همدیگر قرار داده تا امنیت خود را تأمین کند. عراق و سوریه در وضعیت آشفته خود بدون حمایت و تلاش‌های ایران برای ائتلاف با روسیه جهت نابودی داعش، ظرفیت شکست این گروه را نداشتند. بدین‌رو، ایران عامل ائتلاف محور مقاومت با روسیه شد تا فرآیند نابودی داعش سرعت بیشتری بگیرد. راهبرد ایران در فضای پس از داعش در ارتباط با سوریه،

1. Amos Yadlin

همچنان کاهش نقش محور غربی-عربی در تحولات آینده سوریه است. آمریکا با توجه به شکست داعش، به دنبال آن است که متحدین دمشق در سوریه همچنان درگیر بحران باشند. تحولات عفرین و حمله نظامی ترکیه، تلاش آمریکا برای ایجاد شکاف در میان حامیان اسد و سوریه است. از سوی دیگر، ایران همچنان فرآیند مذاکره صلح با حضور روسیه و ترکیه را که در دوران فعالیت داعش ایجاد شد، تداوم بخشیده است، تا حل بحران این کشور به دست محور غربی-عربی که حامی تداوم فعالیت داعش بودند، میسر نشود (سلطانی‌گیشینی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۷-۱۳۶).

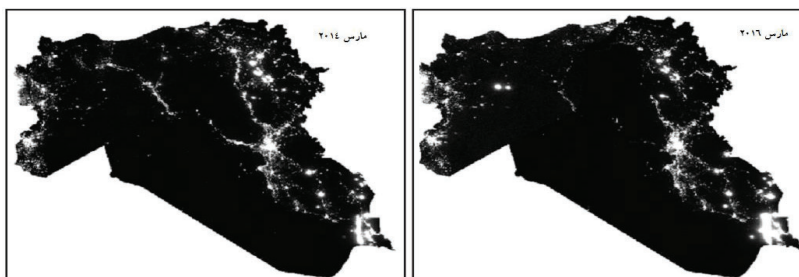
به باور برخی از تحلیل‌گران، برای تحلیل آینده مناسبات در عراق و سوریه باید به ابعاد داخلی و خارجی مشکلات این دو کشور نگاه کرد. به عنوان مثال؛ کردها نسبت به ماده ۱۴۰ قانون اساسی در عراق، چگونگی برداشت از منابع انرژی و تعیین سرنوشت مناطق مورد منازعه مطالباتی دارند که اکنون زیر خاکستر بحران امنیتی برآمده از حضور داعش در نقاط مرزی نزدیک به کردها پنهان مانده است. بنابراین حیدرالعبادی در مسیری جدید و آزمونی نو برای به هم رساندن دیدگاه‌های متعارض گروه‌های عراقی قرار دارد. بنابراین، مشخص است که اگر گروه‌های عراقی به اجماع ملی و سیاسی بر سر تشکیل دولت و تقسیم پست‌های وزارتی نرسند، عراق همچنان کانون کشمکش‌های بی‌حاصل گروه‌ها خواهد شد؛ کشمکشی که به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران توان عراق را در مواجهه با مشکلات امنیتی به تحلیل برده است (DePetrus, 2014: 3). بر این اساس، بی‌ثباتی‌های گسترده و لزوم پیشگیری از تهدیدات امنیتی آینده، دفاع فعال تهاجمی ایران در حلقه‌های امنیتی را ایجاب می‌کند. دفاع فعال ایران در سوریه و عراق با حضور ایفای نقش مستشاری فرماندهان نظامی در عرصه میدانی تحقق یافته است (مرادی کلارده و هدایتی‌شهیدانی، ۱۳۹۶: ۱۸۰-۱۷۹). لذا ایران در راستای پیشبرد رویکرد واقع‌گرایی تدافعی با هدف حفظ و ارتقاء امنیت ملی خود به حمایت از رژیم سیاسی سوریه و عراق پرداخته است. در نهایت می‌توان گفت؛ از آنجایی که ایران مهم‌ترین و موثرترین نقش را در نابودی داعش در سوریه و عراق داشته است؛ این نقش هم‌اینک و در دوران پساداعش بدون شک موجب تشدید کینه‌توزی آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن به ویژه عربستان سعودی نسبت به ایران و متعاقباً طراحی راهبردهای جدید برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران که رهبر محور مقاومت در منطقه است، خواهد شد.

۱- اثرات و پیامدهای ناشی از حضور داعش در سوریه و عراق

خشونت و درگیری مربوط به اقدامات و تهدیدات گروه تروریستی داعش در غرب آسیا به خصوص در سوریه و عراق باعث ایجاد خسارات و هزینه‌های گسترده در این کشورها شده است. در سوریه تاکنون بیش از ۳۴۰ هزار نفر کشته شده، صدها هزار نفر زخمی و بیش از ۱۱ میلیون نفر آواره گشته اند که بیش از ۵ میلیون نفر از آنها به کشورهای خارجی پناه برده‌اند (Al-jazeera, 2017: 9). در عراق نیز تروریسم

تاکنون جان ده‌ها هزار نفر را گرفته، ده‌ها هزار زخمی بر جای گذاشته و بیش از ۵ میلیون نفر را آواره کرده است. قبل از وقوع منازعه داخلی در سوریه، جمعیت این کشور بیش از ۲۱ میلیون نفر بود و نرخ مهاجرت خالص ۱/۲- درصد از هر ۱۰۰۰ نفر بود. تولید ناخالص داخلی این کشور ۱۰۶/۴ میلیارد دلار بود و سرانه تولید ناخالص داخلی برآورده شده ۴۸۰۰ دلار بود. در جولای ۲۰۱۶، جمعیت سوریه حدود ۱۸ میلیون نفر بود؛ نرخ مهاجرت خالص ۲/۱- درصد از هر ۱۰۰۰ نفر بود (World Bank, 2018: 9). اقتصاد سوریه حدود ۷۰ درصد از زمان شروع جنگ داخلی در این کشور افت کرد و تولید ناخالص داخلی این کشور ۵۰/۲۸ میلیارد دلار و سرانه تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۵ به میزان ۲۹۰۰ دلار برآورد شده است. به گفته جان کری، وزیر خارجه سابق آمریکا، این منازعه نسبت به آنچه که وی "بلا‌ی انسانی آشکار بی سابقه از زمان جنگ جهانی دوم" می‌نامید؛ به اوج رسید. تا دسامبر ۲۰۱۴، تعداد ۴۵۰۰۰۰ نفر از مردم سوریه به خاطر تشدید جنگ داخلی و اقدامات غیرمسئولانه ترکیه، عربستان سعودی و اسرائیل در حمایت از تروریست‌ها، کشته شدند و ۱۲ میلیون نفر نیز مجبور به ترک خانه هایشان شدند (Al-Jazeera, 2018: 12). میزان حملات بر علیه غیرنظامیان و نیز چالش‌های آغاز جنگ با گروه‌ها و جریان‌های غیردولتی و فراملی وضعیت را در سوریه پیچیده‌تر کرد و منازعه سوریه را به وجود آورد. همچنین طرف‌های منازعه، سوریه را تا حدودی سست و متزلزل کرد و این حقیقت را نمایان ساخت که نه دولت اسد و نه گروه‌های اپوزیسیون تکفیری به روشنی قادر نیستند طرف دیگر را شکست دهند. نیمی از مردم سوریه ترک مکان کرده و آواره شدند و بیش از نیمی از واحدهای مسکونی تخریب شدند و شهروندان سوری را بدون مسکن و سرپناه و آسیب‌پذیر ساختند (Guidero & Hallward, 2018: 8). سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۱۴ تخمین زد که بازسازی سوریه، عراق و غزه به مبلغی معادل ۷۵۰ میلیارد دلار نیاز دارد. سخنگوی کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد اعلام کرد که جنگ سوریه، امکانات مسکونی، آموزشی و صنعتی را در این کشور با مشکلاتی جدی مواجه کرده است؛ درعراق نیز طی درگیری‌های صورت گرفته با داعش، صدها ساختمان در شمال و شرق این کشور به طور جدی آسیب دیده‌اند (رضایی و موسوی‌حشتی، ۱۳۹۶: ۱۶۲-۱۶۱). تصویر زیر که در شب و از طریق ماهواره گرفته شده، نشان می‌دهد برق مناطق تحت کنترل داعش و دیگر گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه در مارس ۲۰۱۶ نسبت به مارس ۲۰۱۴ (یعنی اوایل دورانی که این مناطق توسط گروه‌های تروریستی به ویژه داعش اشغال شد) افول شدیدی داشته است. این تصویر گویای بسیاری از خسارت‌هایی است که گروه‌های تروریستی در چند سال گذشته به مناطق وسیعی از عراق و سوریه وارد کرده‌اند.

تصویر شماره ۱: مقایسه وضعیت برق عراق و سوریه در مارس ۲۰۱۴ و مارس ۲۰۱۶



(شاپوری، ۱۳۹۶، ۱۳۱)

در طی وقوع جنگ در سوریه و عراق، تعداد بسیار زیادی از کودکان آواره به مدرسه دسترسی ندارند. بر اساس ارزیابی بانک جهانی، در سال ۲۰۱۶، تعداد ۱۳ میلیون کودک سوری، عراقی، لیبیایی و یمنی از آموزش برخوردار نیستند. در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۴ بیش از نیمی (۵۰/۸ درصد) از کودکان در سن تحصیل در سوریه از مدرسه باز مانده‌اند (شاپوری، ۱۳۹۶: ۱۳۴). همچنین داعش در عراق، تمایل خود را برای هدف قرار دادن تأسیسات نفتی اعلام کرده است و تاکنون چندین و چند عدد از امکانات انرژی از جمله بزرگترین پالایشگاه نفتی عراق در بایجی^۱ را در بخش شمالی این کشور به تصرف خود درآورده است (Nordland & Al-Salhy, 2014: 21) که این خود می‌تواند به تشدید هرچه بیشتر اقدامات تهاجمی این گروه تروریستی در منطقه کمک نماید.

نتیجه‌گیری

طی دهه‌های اخیر، خاورمیانه کانون بحران‌های گوناگون بوده که جهان را صحنه درگیری‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی کرده است. در این میان، یکی از پدیده‌های جدید در عرصه بین‌الملل، بنیادگرایی اسلامی است که اکنون در خاورمیانه و بیشتر کشورهای اسلامی فعالیت دارد. تروریسم هر چند از ابتدای هزار سوم، به طور ویژه در دستور کار امنیتی کشورها قرار گرفته است، اما شکل اخیر تکفیری آن در خاورمیانه تحت عنوان داعش در پی خیزش‌های تازه در جهان عرب از لایه‌های پنهانی سر بر آورده که در واقع، در قالب یک تهدید جدی امنیتی و در ظاهری به مراتب خشن‌تر ظاهر شده است. داعش همانند بیشتر گروه‌های اسلام‌گرای جهادی، نشئت گرفته از قرائتی متحجرانه، و سطحی از اسلام است. ترکیبی از نارضایتی‌های قومی - مذهبی، تبعیض‌های اقتصادی، و انسداد سیاسی در کشورهای غرب آسیا و همچنین دخالت بازیگران خارجی برای حفظ موقعیت و جایگاه خود در موازنه جدید قدرت در منطقه از سوی دیگر، زمینه را برای پیدایش و حضور گروه تکفیری داعش در این کشورها به خصوص عراق و سوریه

1. Baiji

فراهم آورد. داعش با بهره‌گیری از تسلیحات پیشرفته و کمک‌های مالی، لجستیکی و نظامی برخی از کشورهای منطقه و فرامنطقه، توانست به سرعت در کشورهای عراق و سوریه نفوذ کند و مناطق وسیعی را تحت کنترل خود درآورد. این مسائل باعث شد که دولت‌های شیعی در عراق و سوریه در معرض فروپاشی قرار بگیرند. قدرت گرفتن داعش در عراق و سوریه و سیطره آن بر بخش‌های گسترده‌ای از این کشورها، نه تنها عراق و سوریه را با بحران امنیتی و تهدید سرزمینی جدی روبه‌رو ساخته، بلکه تهدیدات و مخاطرات مهمی را برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده است. در این میان، حضور گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه به عنوان دو حلقه امنیتی ضروری و غیرضروری نیز یک تهدید امنیتی، برای محور مقاومت و در رأس آن جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌شود؛ به گونه‌ای که می‌تواند ابعاد امنیتی و سرزمینی ایران را تحت تأثیر قرار دهد. در این راستا نیز باید گفت؛ کنشگری داعش در عراق ضمن ایجاد پیامدهای امنیتی برای ایران، بهانه لازم را به قدرت‌های جهانی به خصوص ایالات متحده می‌دهد تا به خاورمیانه لشکرکشی نظامی کند و به بهانه مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی، در کشورهای غیر همسو با سیاست‌های منطقه‌ای خود مداخله نمایند و از این طریق با بحران‌آفرینی و ایجاد ناامنی در کشورهای غرب آسیا محیط منطقه را از تسلیحات نظامی آغشته نمایند. همچنین تصویرسازی‌های منفی داعش از شیعه و گفتمان جمهوری اسلامی ایران در اذهان و افکار عمومی منطقه باعث می‌شود تا بی‌اعتمادی نسبت به الگوی مردم‌سالاری و نظم شیعی در منطقه به وجود بیاید که این امر خود می‌تواند به ترویج نظم سلفی - وهابی در منطقه که در تقابل با اسلام ناب محمدی (ص) قرار دارد؛ کمک کند و به تضعیف قدرت شیعی - اسلامی در منطقه منجر شود. با توجه به ابعاد بالای اثرگذاری بحران داعش، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌الملل دچار تأثیر شد. متأثر از ظهور داعش در منطقه، جمهوری اسلامی ایران در تلاش برآمد تا نقش خود را به عنوان یکی از بازیگران محور مقاومت در منطقه خاورمیانه و در نظام بین‌الملل کنونی معرفی کند. اگرچه سیاست خارجی ایران بیشتر تحت تأثیر ایدئولوژی قرار دارد؛ اما عملکرد آن با توجه به نیازهای سیاسی، امنیتی و منافع ملی کشور تحت تأثیر ملاحظات عملگراییانه نیز قرار خواهد گرفت. سیاست خارجی زمانی عملکردگرایانه خواهد بود که از ابزار ایدئولوژی به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد روابطه دوستانه با دولت‌های ملی و گروه‌های سیاسی استفاده نمود.

بر اساس رویکرد واقعگرایی تدافعی، استفاده از ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران در مواجهه با بحران در سوریه و عراق و در دوران پساداعش، با هدف افزایش منافع ملی، ابزار مفید و مؤثری برای تقویت گروه‌هایی همچون حزب‌الله لبنان و علویان سوریه و حشدالشعبی در عراق و ... خواهد بود. لذا جمهوری اسلامی ایران در صدد رفع تهدیدات امنیتی ناشی از وقوع بحران در دو کشور عراق و سوریه برآمده است و با اتخاذ رویکردی تدافعی در جهت تأمین سیاست‌ها و منافع منطقه‌ای به خصوص منافع امنیتی تهران و اعضای محور مقاومت در غرب آسیا گام بر می‌دارد. حملات تروریستی این گروه سلفی - تکفیری

به مجلس شورای اسلامی و حرم مطهر امام خمینی (ره) در خرداد ۱۳۹۶ را باید در راستای ناامن سازی و تهدیدزایی داعش و حامیان منطقه ای و فرمانطقه ای آن برای ایران در منطقه دانست. لذا، از آنجایی که داعش خطری برای تمامیت ارضی و امنیت بازیگران محور مقاومت به رهبری ایران به در منطقه قلمداد گشت، ایران در هم پیمانی با دولت های عراق و سوریه و نیز با کمک مؤثر حزب الله لبنان و روسیه در صدد ضربه زدن به داعش و نابود کردن آن در منطقه برآمد و ضربات جبران ناپذیری را به این گروه تروریستی در غرب آسیا وارد ساخت. هزینه ها و پیامدهای ناشی از عملکرد داعش در کشورهای شمال آفریقا و غرب آسیا به خصوص عراق و سوریه، باعث بی ثباتی در روند توسعه این کشورها شده است و بر پیچیدگی هرچه بیشتر بحران سوریه و عراق در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و... افزوده است و دورنمای صلح و ثبات منطقه ای را خدشه دار کرده است. با توجه به جریانات فوق در نهایت می توان گفت که ظهور داعش در ابعاد داخلی، منطقه ای و بین المللی سیاست خارجی ایران باعث شده است که ضمن انسجام و همسانی دیدگاه ها در داخل، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عراق و سوریه مبتنی بر حفظ تمامیت ارضی دو کشور، افزایش قدرت شیعیان، حفظ اماکن متبرکه در سوریه، حفظ حاکمیت سیاسی بشار اسد و حفظ محور مقاومت شکل بگیرد.

منابع

الف- فارسی

- احمدوند، سلمان و ایمان احمدوند (۱۳۹۴)، «بازخوانی رهیافت‌های تبیین‌گر تروریسم (رویکرد ترکیبی) با مطالعه موردی: داعش»، **مجله سیاست دفاعی**، سال بیست و سوم، شماره ۹۰، صص ۱۷۴-۱۴۱
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی»، **فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی**، سال اول، شماره اول، صص ۱۵۳-۱۱۳
- جرج، واشنگتن بلاگ و وین مادمسون و وبستر جی. تارپلی، **داعش، خود ما (آمریکا) هستیم؛ حقایق تکان دهنده پشت پرده ارتش ترور**، مترجم: التیامی‌نیا، رضا و علی باقری دولت‌آبادی و علی محمدی، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع)، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۹۷
- جهان‌بین، فرزاد و فتح‌الله پرتو (۱۳۹۱)، «راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنبش بیداری اسلامی اخیر»، **فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، سال اول، شماره ۳، صص ۱۴۳-۱۱۷
- حاجی‌یوسفی، امیر محمد و علیرضا حسین‌زاده (۱۳۹۷)، «شکست‌دگی دولت و نابسامانی جامعه در عراق؛ بستری برای بحران امنیتی ظهور و گسترش داعش»، **فصلنامه آفاق امنیت**، سال یازدهم، شماره سی و هشتم، صص ۶۷-۳۵
- دهقانی‌فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۶)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: سمت، چاپ هشتم، صص ۵۶۵-۱
- ذوالفقاری، مهدی و ابوزر عمرانی (۱۳۹۶)، «تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال هفتم، شماره دوم، صص ۱۹۵-۱۶۹
- رضایی، رضا و سید صدرالدین موسوی‌جشتی (۱۳۹۶)، «ظهور داعش و تأثیر آن بر معادلات منطقه‌ای: مطالعه موردی چالش‌ها و فرصت‌های به وجودآمده برای ایران»، **فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام**، دوره ۵، شماره ۱۱، صص ۱۷۴-۱۴۹
- سلطانی‌گیشینی، محمدجواد و سعید وثوقی و شهروز ابراهیمی (۱۳۹۶)، «دولت شکست خورده و جنگ‌های جدید: مطالعه موردی داعش در خاورمیانه»، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، سال هشتم، شماره ۴۹، صص ۱۴۵-۱۱۷
- سمیعی‌اصفهانی، علیرضا و ایمان شریف‌یلمه (۱۳۹۵)، «واکاوی ریشه‌های شکل‌گیری داعش در سوریه و عراق»، **مطالعات سیاسی جهان اسلام**، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۱۸۷-۱۶۱
- سمیعی‌اصفهانی، علیرضا و محسن شفیعی سیف‌آبادی (۱۳۹۴)، «آینده گروهک‌های تکفیری و راهکارهای ثبات‌بخش دولت سوریه و عراق»، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۱۹۹-۲۲۷
- شاپوری، مهدی (۱۳۹۶)، «هزینه‌های اقتصادی تروریسم در غرب آسیا؛ بررسی تحلیلی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**،

- سال بیستم، شماره سوم، صص ۱۴۲-۱۱۱
- شمسینی غیاثوند، حسن و محمد شایوسی (۱۳۹۷)، «منافع ملی ایران و راهبرد نظامی ایران در قبال داعش»، فصلنامه مطالعات منافع ملی، سال چهارم، شماره چهاردهم، صص ۴۹-۶۵
 - طارمی، کامران (۱۳۹۴)، «تحلیلی بر عوامل پیدایش و رشد سریع دولت اسلامی در سوریه و عراق»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۸، شماره ۳۰، صص ۲۱۴-۱۷۲
 - فرمانیان، مهدی و محمد ابراهیم نژاد (۱۳۹۳)، داعش دولت اسلامی عراق و شام (تحلیل و بررسی تاریخ و افکار)، قم: موسسه دارالاعلام مدرسه اهل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول، صص ۸۴-۱
 - مبینی کشته، زهرا و هادی آجیلی (۱۳۹۳)، «نقش داعش در شکل‌گیری معادلات جدید در خاورمیانه»، فصلنامه علمی- تخصصی حیل‌المتین، سال سوم، شماره نهم، صص ۱۴۲-۱۱۹
 - مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۵)، «سیاست‌گذاری موازنه منطقه‌ای در روابط ایران و عربستان»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۶، شماره ۴، صص ۱۰۸۷-۱۰۶۷
 - «نقشه حمله موشکی به تروریست‌ها در سوریه»، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۶/۳/۲۹، بازیابی شده در ۱۳۹۶/۱۲/۲۳، آدرس اینترنتی: <http://www.irna.ir/fa/PhotoNews/3471453>
 - مرادی کلارده، سجاد و مهدی هدایتی شهیدانی (۱۳۹۶)، «راهبرد امنیت منطقه ای ایران در بحران امنیتی خاورمیانه: ویژگی ها و اهداف»، فصلنامه روابط خارجی، سال نهم، شماره سوم، صص ۱۹۲-۱۶۳
 - هراتی، محمدچواد و محمدچواد قربی (۱۳۹۶)، «تأثیر بازتولید داعش در کشور عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره بیست و پنجم، صص ۱۴۷-۱۲۱

ب- انگلیسی

- Al-Alam(9 Sep,2014), "Iran not Threat to Sunni Arabs, Mideast: Obama", Retrieved 2017/9/11, Available Online at: <http://en.alalam.ir/news/1630373>.
- Al-jazeera (Mar 30, 2017), UN: Number of Syrian refugees passes five million, Retrieved 2017/12/19, <http://www.aljazeera.com/news/2017/03/number-syrian-refugees-passes-million-170330132040023.html>
- Al- Jazeera(April 14, 2018), "Syria's civil war explained from the beginning", **Al Jazeera English**, available at: <https://www.aljazeera.com/news/2016/05/syria-civil-warexplained-160505084119966.html>
- Atwan, Abdel Bari (2014), "Will the US-Iran-Saudi Alliance Defeat ISIS? If so, to what Effect?" Retrieved 2017/9/3, Retrieved from: <https://www.middleeastmonitor.com/articles/middle-east/13622-will-the-us-iran-saudi-alliance-defeat-isis-if-so-to->

what- effect.

- Ben-Ephraim, Shaiel (2014), "Why ISIS is Actually Good for U.S. Strategy in the Region," Available at: https://www.academia.edu/8144853/Why_ISIS_is_Actually_Good_for_U.S._Strategy_in_the_Region
- Bouillon, Markus (2012), "Iraq's state-building enterprise: State fragility, state failure and a new social contract," **International Journal of Contemporary Iraqi Studies**, Vol. 6, No. 3, pp. 1-18
- Bradley, William (2014/12/6), "SIS Beats a Brutal Counterpoint to Hillary's Happy Book Launch", Retrieved 2017/8/1, from: Huffington post, <http://www.huffingtonpost.com>.
- Bunzel, Cole (2015), "From Paper State to Caliphate: the Ideology of the Islamic State", the Brookings Project on U.S Relations With the Islamic World, the Brookings Institution, March 19.
- Cafiero, Giorgio and Daniel Wagner (2015), "A Saudi Arabia and Al-Qaeda United in Yemen", **Foreign Policy Journal**, Retrieved 2017/11/18, Available Online at: www.foreignpolicyjournal.com/2015/09/23
- Cloud, David S and Thom Shanker (2007), "Gaps in Training Iraqi Forces Worry Top U.S Commanders", **New York Times**, 14, July.
- Cordesman, Anthony H. (July 11, 2017), **After ISIS: Creating Strategic Stability in Iraq**, working paper Burke Chair in strategy, PP. 1-59
- Cronin, Audrey Kurth (2015), "ISIS Is Not a Terrorist Group", **Foreign Affairs**, March and April, Retrieved 2017/12/18, available at: <https://www.Foreignaffairs.com/articles/middle-east/2015-02-16/isis-is-not-terrorist-group>.
- DePetris, Daniel R. (September 10, 2014), "PM Haider al-Abadi: A New Era in Iraq?", **atlantic council**, Available at: <http://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/pm-haider-al-abadi-a-new-era-in-iraq>
- Dexter, Filkins (Dec 2, 2005), "Profusion of Iraqi Groups Helps Them Service in Iraq", **The New York Times**, Retrieved 2018/1/15, Available at: <https://www.nytimes.com/2005/12/02/world/middleeast/profusion-of-rebel-groups-helps-them>

survive-in-iraq.html

- Ghilan, Muhammed (2014), "The Consequences of Not Challenging the Islamic State", **Aljazeera**, Retrieved 2017/12/8, Retrieved from: <http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/2014/08/islamic-state>.
- Giovanni, Janine Di (2014), "Nemesis: The Shadowy Iranian Training Shia Militias in Iraq", **newsweek**, Available at: <https://www.newsweek.com/2014/12/05/nemesis-shadowy-iranian-training-shia-militias-iraq-287610.html>
- Guidero, Amanda and Maia Carter Hallward(2018), **Global Responses to Conflict and Crisis in Syria and Yemen**, Palgrave Pivot, pp. 1-118
- Jervis, Robert (1978), "Cooperation under the Security Dilemma", **World Politics**, Vol. 30, No. 2, pp. 167-214
- Kalin, Stephen (2017) "Basic infrastructure repair in Mosul will cost over \$1 billion: U.N. **"Iraq oil report**, July 5, 2017, Retrieved 2018/1/18, Available at: <https://www.iraqoilreport.com/daily-brief/basic-infrastructure-repair-mosul-will-cost-1-billion-u-n-23914/>
- Kirshner, jonathan; (2010), "the tragedy of offensive realism: classical realism and the rise of china", **European journal of international relations**, Vol.18, No.1, pp.53-75
- Kozak, Christopher (2017), "Iran's Assad Regime", available at: [https://www.criticalthreats.org/wp-content/uploads/2017/03/Irans-Assad-](https://www.criticalthreats.org/wp-content/uploads/2017/03/Irans-Assad-Regime.pdf)
- Regime.pdf.
- Mikail, Barah (2014/4/3), "Avoiding Iraq's Fragmentation- Analysis, from: Eurasia Review", Retrieved 2018/1/2, Available at, [http:// www. Eurasia Review.com](http://www.EurasiaReview.com).
- Nasr, Vali (2004), Regional Implications of Shea Revival In Iraq, **The Washington Quarterly**, 27:3, Summer.
- Nordland, ROD and Suadad Al-Salhy (18 June, 2014), "Extremists Attack Iraq's Biggest Oil Refinery", **The New York Times**, Retrieved 2018/1/13, Retrieved from: http://www.nytimes.com/2014/06/19/world/middleeast/iraqi-oil-refinery-ablazeas-army-and-militants-clash.html?_action=Click&ContentCollection=

Middle%20 East&module= Related Coverage& Region= Marginalia&pgtype= article (visited:2, April/2015).

- Rashid, Ahmed (2014), "ISIS: What the US Doesn't Understand", **The New York Review of Books**, Retrieved 2018/3/12, Retrieved from, <http://www.nybooks.com/blogs/nyrblog/2014/dec/02/isiswhat>.
- Rose, Gideon (1998), "Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy", *World Politics*, Volume 51, Issue 1, pp. 36-57
- Simons, Anna and David Tucker (2007), "The Misleading Problem of Failed States: a 'socio-geography' of terrorism in the post-9/11 era", **Third World Quarterly**, Vol. 28, No. 2.
- Steinberg, Guido (2014, April), "The New "Lions of Syria" Salafist and Jihadist Groups Dominate Insurgency", **Middle East and Africa Division**, Retrieved 2018/1/27, Available at: https://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/comments/2014C19_sbg.pdf
- Taliaferro, Jeffrey W. (2001), "Security Seeking under Anarchy: Defensive Realism Revisited", **International Security**, vol. 25. No. 3.
- Tang, Shiping (2010), **A Theory security Strategy for our Time Defensive Realism**, New York: Palgrave Macmillan, pp. 1-264
- World Bank (2018), "The World Bank in Yemen", available at: <http://www.worldbank.org/en/country/yemen>

